



شماره ثبت: ۳۱۴۹

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	مرور گذشته.....
۲	فرع نهم.....
۳	فرع دهم.....
۳	فرع یازدهم.....
۳	فرع دوازدهم.....
۴	احتمالات موجود در فرع دوازدهم.....
۴	اشکال احتمال دوم.....
۴	فرع سیزدهم.....
۵	فرع چهاردهم.....
۵	انواع مدح.....



شماره ثبت: ۳۱۴۹

مرور گذشته

روایاتی که در باب اعانة ظالم آمده است دو قاعده وجود دارد:

۱. اعانه بر ظلم: همان قاعده اعانة بر اثم است.
 ۲. اعانة ظالم منظور اعانة دستگاه جائز و ظالم مسلمان است. هر کمکی به کسانی که خلافت اسلامی را غصب کردند، حرام است.
- در مفهوم اول، ظلم مطلق بود و عون در همان گناه بود. عون در مفهوم دوم، مطلق بود، یعنی هر کاری برای حکومت جائز، جایز نیست.
- همان طور که عرض کردیم، در مورد قاعده اول، صحبت نمی‌کنیم چون در قاعده اعانه اثم کاملاً صحبت کردیم. در مورد قاعده دوم فروعاتی را بحث کردیم.

فرع نهم

- وقتی معونه حرام شد، تکسب آن نیز حرام است. کمک به دستگاه ظلم در هر بخشی حرام است. اجیر شدن برای این کمک نیز حرام است.
- معامله واقع می‌شود ولی عملی که شرعاً حرام است. چه وسایل را به شخص اجازه بدهد، کاری بکند، این فعل حرام است، در نتیجه حرمت تکلیفی دارد. پس معامله باطل است.
- این حکم در دو قاعده مشترک است. در قاعده اول نیز اگر کسی اجیر برای ظلم بشود، معامله باطل است و فعل او نیز حرام است.



شماره ثبت: ۳۱۴۹

فرع دهم

حرمت اعانه که در روایات آمده است، منظور اعانه ظلم و اعانه ظالم، از گناهان کبیره است. در مورد اعانه ظلم که آیه به صراحت تصریح بر کبیره بودن آن دارد. در مورد اعانه ظالم نیز اگر آیه شریفه «وَلَا تَزْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا»^۱ را بپذیریم که اشاره به این مطلب دارد یا حتی به خاطر تعدد روایاتی که این مورد را نکوهش و مذمت کرده است، می‌توانیم بگوییم این اعانه گناه کبیره است.

فرع یازدهم

در بعضی روایات تصریحات و اطلاعاتی داریم که هرگونه کمک چه در مباحات و مستحبات ممنوع شده است. مثلاً بنای مسجد در روایت معتبره، برای حکومت جائز، ممنوع شده است. پس اعانه در امور مکروه، مباح، مستحب، واجب شامل می‌شود.

نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که بعضی از روایات می‌فرمایند: بنا بسازید، راه بسازید، به امور عمومی و اجتماعی بپردازید. روایات اعانه ظالم، مخصوص این روایات است. یعنی جایی که ساختن مسجد منتسب به دستگاه ظلم است، ممنوع است.

فرع دوازدهم

همان‌طور که در روایات ملاحظه کردیم، نسبت به دستگاه ظلم، یک قاعده اعانه بود. قاعده دیگر این است که هر نوع کار و فعالیتی با آنان نیز منع شده است. یعنی به غیر از واژه اعانه ظالم، تمام کارهای دیگر نیز منع شده است. مثل ورود به دستگاه نامشروع، تواضع در مقابل آنان منع شده است.

همان‌طور که در روایات عرض کردیم به جز عنوان معونه ظالم، عناوین دیگری نیز وجود داشت، مثل: خضوع برای سلطان، دخول برای سلطان، حب بقای ظالم، رضای به کار ظالمان و ...

سؤالی که در اینجا وجود دارد این است که این عناوین مذکور به اعانه ظالم برمی‌گردد، یا این‌ها جداگانه است؟

^۱هود، آیه ۱۱۳



احتمالات موجود در فرع دوازدهم

در اینجا چند احتمال وجود دارد:

۱. ظاهر ادله، اصالة الموضوعیه است. یعنی هر عنوان که در حدیث آمد به چیز دیگری بر نمی‌گردد. از این مطلب نتیجه می‌گیریم که هر کدام از این‌ها جداگانه حکم دارد.
۲. احتمال دوم این است که عناوین بالا در جایی است که به جلال و شوکت دستگاه ظالم، اثر داشته باشد. یعنی نوعی عون آن‌ها باشد. ولی اگر عون نباشد، ادله انصراف از آن‌ها دارد. مثلاً رفت و آمد می‌کند ولی برداشت کمک از آن نمی‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که تمام عناوین به جز اعانه انصراف به جایی دارد که قدرت دستگاه ظالم را همراه است.
- با مطالب مذکور می‌توانیم بگوییم، که روح تمام این عناوین، اعانه است. یا بهتر است بگوییم روح تمام عناوین، قدرت بخشیدن به دستگاه ظالم است.

اشکال احتمال دوم

- در بعضی از روایات، شامل نمی‌شود. مثلاً در محبت بقا، تکیه کردن به ظالمین، منصرف به عام نیست. چون این‌ها نمود خارجی ندارند. قطعاً بعضی از عناوین شامل احتمال دوم نمی‌شود.
- اگر این اشکال را بپذیریم. احتمال سومی وجود دارد:

۳. در بعضی از عناوین، به عون بر می‌گردند و بعضی مستقل هستند. یعنی ما به تفصیل اعتقاد داشته باشیم.
- بر اساس ظواهر آیات، باید احتمال اول را بپسندیم و اگر بخواهیم مقداری بیشتر ملاحظه کنیم، می‌توانیم احتمال سوم را بپذیریم. اینکه کدام احتمال را بپذیریم، اثر در تعدد عقاب مشخص می‌شود. مثلاً تواضع با عون یکی بشود، دو محرم انجام می‌شود.

فرع سیزدهم

عون ظالم، اعم از مسائل مادی و معنوی است. درست است که در روایات کمک‌های فیزیکی آمده است ولی قاعداً کمک‌های معنوی گاهی از کمک‌های فیزیکی تأثیر بیشتری دارند. در نتیجه این نوع کمک‌ها را نیز شامل می‌شود.



شماره ثبت: ۳۱۴۹

فرع چهاردهم

در باب ۴۳ عنوان مدح ظالم آمده است. مدح دستگاه ظلم، مشمول عون است. اگر مدح و ستایش و نوشتن کتاب و ... باعث تقویت جلال و شکوه آن‌ها بشود، مصداق عون است.

در این باب، روایت غیر معتبری آمده است.

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ يَأْتِيهِ عَنْ شُعَيْبِ بْنِ وَاقِدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي حَدِيثِ الْمَنَاهِي أَنَّهُ نَهَى عَنِ الْمَدْحِ وَقَالَ اخْتُوا فِي وُجُوهِ الْمَدَّاحِينَ التَّرَابَ قَالَ وَقَالَ ص مَنْ تَوَلَّى خُصُومَةَ ظَالِمٍ أَوْ أَعَانَ عَلَيْهَا ثُمَّ نَزَلَ بِهِ مَلَكُ الْمَوْتِ - قَالَ لَهُ أَبَشِرْ بِلَعْنَةِ اللَّهِ وَنَارِ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ قَالَ وَقَالَ ص مَنْ مَدَحَ سُلْطَانًا جَائِرًا وَتَحَفَّفَ وَتَضَعَّصَ لَهُ طَمَعًا فِيهِ كَانَ قَرِينَهُ فِي النَّارِ»^۱

در نتیجه غالباً مدح، مصداقی از عون است. در نتیجه همان مدح حرام است. اگر پولی نیز از مدح بگیرد، حرام است. البته اگر کسی اجیر برای مدح گفتن شده است، تکسب آن حرام است. اگر کسی شعری سروده است، و سلطان به او صله می‌دهد، این صله معامله نیست. این صله، همان هدیه است، از حیث تکسب حرام نیست. چون تکسبی نیست.

انواع مدح

در نتیجه مدح ظالم حرام است، از طرفی مدح در ظلم، مصداق اعانه در ظلم است. مدح اگر مشتمل بر کذب باشد، نیز حرام است. در مورد غیر ظالم نیز مدح کذب حرام است. این سه نوع مدح حرام است. اولی در قاعده اعانه ظالم است. دومی اعانه ظلم است. سومی در کذب است. اگر مدح، نوعی چاپلوسی باشد، کراهت دارد. که ادله‌ی خاصی می‌خواهد. روایاتی که در این باب آمده است، ضعیف هستند.

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۸۴